

وزارت دارایی بطاعت وفاداری و حیا  
شرکت تعاون سوره تشکیل و آن شرکت  
فصلیاتی که سود شرکت در آن معلوم  
ت مهم که سهام آن نادیده و تعدد گشته  
در در اطلاع عموم میرسد تا اطلاع  
شده و مقدار سهمی را که جهت شرکت  
بروما بکدام يك از شرکتها چنانگاه

تعاون حومه و سرعایه های معینه  
ریال

بشماره ریال میباشد  
و با به مدت است مقدم هسته ولی آداب

برداشت  
تا نیست در حد تعدد قبول شود  
شد میتواند بدو دفتر کل بخش مراجعه

۱ خرداد ۱۳۰۰ تر (بفرستد خواهد شد  
اداره کل بخش

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

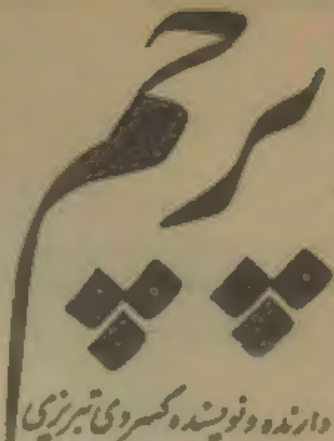
۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰



دارنده و نویسنده کسری تبریزی

بهای اشتراک  
سالانه ۳۰۰ ریال  
سه ماهه ۱۰۰ ریال  
یک ماهه ۳۰ ریال

جای اداره  
خیابان ۱۰۰  
تلفن ۱۰۰  
شماره ۷۵

کلمه هایی که معنایش دانسته نیست

در ایران بسیاری از کلمه هاست که در زبان می گردد ولی اگر شما بپرسید کتر کسی  
مشی آنها را می داند. مثلا کلمه های اخلاق، دین، تربیت، ادبیات، تمدن، عرفان همیشه بر سر زبانهاست  
و بیانی در روزنامه ها در میان گفتار ها تکرار می شود. ولی شما اگر هر یکی را بپرسید و از هر  
کسیکه میگوید بپرسید خواهید دید معنی دینی از آنها غنیمت و شما غرض نمی تواند داد. ما با شما  
این را آزموده ایم.

مثلا کلمه « اخلاق » را بپرسیم. بلوها آزموده ایم يك معنای روشن و درستی از آن در  
منز ما نیست. بلوها را دهه که کسی گفتاری در زمینه « اخلاق » نوشته و ستایش از آن کرده  
و چون بر سرده ایم اخلاق چیست درمیان و پاسخی نتوانست.

در چندین پیش جوانی گفتاری آورد بدین عنوان « باید اخلاق جامعه را تهنید کرد ». گفت  
این معنیست که همه می گویند. باید دید « اخلاق » چیست. چه معنایی از آن خواست میشود.  
در شکست شد و گفت « مگر معنی اخلاق دانسته نیست ». گفت « اگر دانسته است شما بگویید.  
گفت « اخلاق » يك کلمه عربی و خود جنم « خلق » است و « خلق » دو فارسی شوی با هم  
میباشد. این اشاره اش دانسته است. ولی شما بگویید چه چیز است که شوی با هم نمیده میشود.  
خوبی يك کدام و خوبیا به کدام است. و آنکه از چه راهی می توان خوبهای يك توده را يك  
گردانید. اینهاست که باید گفت و روشن گردانید.

گفت « مگر مردم اینها را ندانند ». گفت « اگر مردم میدانند دیگر چه نیاز است  
که شما این گفتار را بنویسید. اگر آنسوی يكی از مردم شما صحبت. شما آنها می اینها را میدانند.  
يك کلمه « اخلاق » بر زبان افتاد. هر کسی با هم خود معنی دیگری بآن می دهد. هر کسی  
از چه خود دارد « خوش اخلاقی » میشود. يك دردی که وشت شما را ضایع کرده شما اگر اندک  
شوی بگویند خواهد گفت « آقا برو اخلاقت را دوست کن ». يك انبوس نشین که بر سر دشتی  
بشکار می نماید اگر بیضا فروش معنی نشان دهد بفرستد خواهد گفت « باید اخلاق شما را تهنید  
کرد ». دو تن زن و شوهر که اندک و نیکوکی پیدا کردند هر يك در پشت سر دیگری سواد گفت  
« به اخلاق است ». يك کسی با فردی در دلتنگی اگر خوشرو بود و بر روی این و آن شصت  
خواهد گفت « خوش اخلاق است ». يك شاعری چنین دوش اخلاق می دهد  
چنان یا يك و به سر کن که بعد از مرگش عرقی مسلمات بر مردم شویسد و هندو سوزاند  
چون معنی دوست اخلاق با خوبیا دانسته نشد و يك و به آنها لازم جدا نگردید و فاشدای  
برای شفتن در میان نیست اینست هر کسی هر چه خود دارد « خوش اخلاقی » میشود و از هر کسی  
پیش آمده « به اخلاق » می نامد.

كلمه « تربیت » را بپرسید این كلمه به معنی است « اسكه می گویند » باید توده  
را تربیت کرد « تفسیر چیست ». چه چیزهایی را باید بشود یاد داد تا « تربیت » باشد.  
شما اگر يك نگاه کنید در اینجا هم يك زمینه روشنی نیست و هر کسی این كلمه را باطله  
نمود تطبیق می كند. من اینك چند داستانی را برای مثال می گویم

چندی پیش بیکمردیاسی زن خود را که تازه گرفته بود گفت معنی زده سر ووش را خون  
گود گردانیده بود. در دادسرا دو پاسخ باز پرس چنین می گفت « این دختر چه است و كرت ام باید  
نوم تربیت كنم »  
دو كان سلبی استاد بشاگرد خود سبیل زد و من بپاز خواستیر خاست و چنین پاسخ داد « این  
اگر او ده پیش من كه تربیتش كنم. این اگر كلك نهمود آدم فیشود »  
يك سر حله ای سخن از كار گران زیر دست خود میراند و چنین می گفت « دوروز های  
يك كه آمده بودند آدم نبودند كه من با فاش و لكه و سیلی تربیتش كرده ام »  
يك شاعر هوسبازی از هم شمرهایی فرستاده كه يك مثل كوچكی فارسی را « ده و پانزده  
بر چشم كشیده بود. من نوشتم: این كار چسودی دارد. جز اطلاق وقت چه شبیه میدهد. و  
بع نوشته بود. « يكی از طرف تربیت باشد نظم اینگونه افتاده است... »  
این داستانهارا يك اندیشید كه هر يك از اینها « تربیت » را چه معنایی گرفته. آن  
سبب و سلبی و سر حله « تربیت » را « غش خود بكار بردن و بر دست چیرگی نشان دادن و  
برای فروشن و كلك زدن « دانسته اند و این شاعر آن را « بلوه بهبهایی هوسبازانه برخاستن و  
فیت كردن » شاخته است.

از اینها بپرسیم: اینجوانها كه از دبیرستانها با داشكده ها بیرون می ریزند و هر يكی  
هم تربیت توده « گفتارها می نویسد، مضامین می رانند، كتابها می پردازند، راهها چپال می رسانند  
« تربیت » را چه معنی می شناسند. « اینست كه آن را « خود سازی كردن و هوسبازی خود را بكار  
شهرستان پراكنده و بیبیه نوشتن » می شناسند.  
از این هم بالاتر می رویم. وزارت فرهنگ لژی سال یاز در ایران بنیل بقت و وظیفه اش  
« تربیت » جوانان می باشد آیا آن را بچه معنی می شناسد. چه چیز است كه بلد میدهد. برای  
مع این بهترینست كتابها را كه در دبستانها دبیرستانها درس خوانده می شود یا كتابهاییكه برای  
این بزرگان چاپ می رسد بپایه گیرید. وزارت فرهنگ هم « تربیت » را بلد دادن اشعار شمرای  
ان منقول و آموختن شرح حال شمرای، و درس فلسفه های گوناگون كهن و نو، و برای اینست سوسالان  
بهره و صغیرانی و مانند اینها می شناسد

دوری توده

پرسش از آقای نویسنده « تهران دموكرات »

آقای محترم نویسنده « تهران دموكرات »  
من ضمنی با شما است و این پرسش را از شما  
شم تنها دارم پاسخ آقا بوسيله روزنامه مهر  
ان بپرسید كه آنگاه منظور شما را مانده من  
دانسته - خواننده آگاه گردند.  
سألهای دراز مچة در تهران كه يگانه مجله  
بر ایران و چشم و چراغ ادبیت ما بود طبع و  
بر همت نهادن اكوتن یز هست بقت.  
در این وقت شرح حال و اشعار بسیاری از  
برای كشته و معاصر را نوشته و بوسيله آن مجله  
بمعنرر عموم كمارده شد. آیا توده از آن چه  
بقت برد و بواسطه آن كدام يك از فرد های  
به درمان گردیدند، بود در سه اشعار مترجمه در  
آن مجله این قصیده است كه ذیلا چند شعر  
آرا نوشتن چنانچه خواهش میکنم و جدا نا  
بپروم آنها را بنده شرح دهید و بپرسید.  
چه فایده از بدست خواهد آمد

فصلنامه هفتی

باید استم خویش آن نگارم است  
همی كه یك گوید نگار ماست

جنگ يك نقطه حساسی

رسیده است

۲ - جنگ سیاستوپل

اینكه آلمانا پس از حیرتی شدن زمستان  
پیش از همه و پیش از همه سیاستوپل برداختند و  
لشار با لیا وارد آوردند می توان گفت به جهت بود  
( ۱ ) این دژ از چند ماه پیش ایستادگی می نمود و  
این شهرت شهر گشای آلمانا بر می خورد ( ۲ ) آلمانا  
شیخو استه اینها را در پشت سر گزارده در گویند  
( ۳ ) يكی از مقاصد آلمانا كوتاه گردانیدن دست  
روسها از دویای سیاه است و برای این كار ناچار  
بودند كه سیاستوپل را كه بگانه منور بركیت  
كه می تواند پناهگاه ناو های جنگی روسی باشد  
از دست آنان در آورند.

با این مقصود ما بود كه پیشتر و پیشتر با لیا  
برداشتند و اکنون كه سیاستوپل پس از هفت ماه  
و نیم ایستادگیهای نهر مانده خود را به دست دشمن داده  
باید دید آلمانا چه استفاده هایی خواهند نمود  
چنانكه گفته ایم نظر آلمانا پیش از همه بر شرف  
و این دست یافتن ایشان بسپاسخوپل و تسلطی كه  
در دویای سیاه پیدا می كند راه تفلز و شرق را  
بروی آنان باز می كند و ما از این زمینه سخن  
خواهیم راند. چون تسلط در دویای سیاه خود يك  
مقصود می باشد اینست نصحت باید از این زمینه  
گفتار كنیم

ما چون نقشه نكله كنیم می بینیم دویای سیاه  
بوسيله باز های استابول و داودانل بفرمای سیاه  
پیوسته و این دویانولیت خود از سوی جنوب شرقی،  
بوسيله كاتالوس و بویای سرخ و از آسمانها بفرمای  
میپوشند و از سوی شمال غربی بوسيله تنگه بیل طلون  
آلبانوس اطلالی اتصال می یابد، مقصود اینست كه  
راه اتصال دویای سیاه بفرمای سیاه و دیگر دویاها  
بوسيله باز های استابول و داودانل میباشد. این  
بزر آشكار است كه اهمیت بگسریا جز در تنه  
ارتباط با بایوسهای آزاد تواند بود. لب مطلب  
آنكه دویای سیاه برای آلمانا هلكلی اهمیت بپرا  
خواهد داشت كه بپلا ها بروی كشتیهای آنان  
گشاده باشد. دو حالیکه بپلاها تا كوتون پست است  
و اختیار آنها در دست دولت تركیه میباشد. دو  
هنگامست كه روابط تركیه با آلمانا بیاد می افتد  
و اندیشه چپا های بسیار دوری می رود  
آیا با این پیش آمده ها تركیه باز بیطرفی را  
ادامه خواهد داد.  
آیا دیگران او را به حثال خود خواهند  
گذاشت.  
بر شرفهای بسیار مهمست و ما بشپوا هم چلو  
كمان و بنام را باز گزارده به پیش بینی های  
بسیار دوری پردازیم  
آینه مای دایم تركیه اكون در مبدان دو  
معضور بگير افتاده و هیچكده حال او باین معنی  
نبود. برای آنكه مقصود خود را روشن گردانم  
باید يك مقدمه ای پردازم

بسیاری از مردم چنین می میدانند كه دو مولی  
كه با هم دو جنگند و كشاكش مندی در میان آنان  
مجرد دولت های دیگر بایدهوشیار باشند و بینند  
كدام يكی از آنان پیرونده تر است و چه خواهد  
در آمد بسوی آن گرانیه و تسابل و دوستی  
شان دهند.  
مثلا در باره تركیه تصور می كنند ان بیطرفی  
او برای آنست كه بیند كدام يكی از آلمانا و انگلیس  
پیروز در می آید تا بسوی او گرایند و با وی همدستی  
نمایند. ولی این اندیشه خامست. شاید بر خیز دولت  
های كوچك و بیبا چنین سیاستی پیش گیرند. ولی  
دولت های آرومست كه برای آینده يك آرمایی  
( بید آلی ) دارند چنین سیاست سرسری شایست  
ایشان نباشد.

دولت های بزرگ و آرومست معنای سیاستشان  
چیز دیگریست. يك دولت كردان و توانایی باید  
بیند نیرومندی و بزرگی كدام دولتی. اكون با  
دو آینه، برایش غطرنا كست با وی دشمنی نماید.  
معنای سیاست دولتهای بزرگ از فرها باین بوده  
و تاریخ بر از گواهیها برای این سخن می باشد.  
بیند دو سال ۱۸۷۰ كه فرانسه در جنگ آلمانا  
شكست معنی خورد و بیکبار از پانزاد و از آن  
سوی آلمانا بسیار بزرگ و پیرونده شد و دولتهای روس  
و انگلیس بجای دوشی با آلمانا پیرونده رو بسوی  
فرانسه شكست خوردند. آوردند و با آن میان همدستی  
بیند زیرا چون تركی آلمانا برای آنان خطر  
فاش با مانگی و جلوگیری برداختند.

آزب - شطاب میگردید و حیثیتش - فاشل متحر

و ادب داشتند آلائی كسروی در فلان مقاله با هیجان  
كتاب چنین فرموده و یگانه های او استند بپكر دید

يكی از بد خواهان

يكی از بد خواهان  
مشروطه پرنس ارفع -  
الدوله را باید بشرد -  
ایشرد كه در آنگام  
سفر ایران فراموشیول  
بود با مشروطه دشمنی  
نشان میداد و از این رو  
روزنامه های تهران و تبریز  
از او به عسی نوشته و  
لكوشتهای بسیار می  
كرده. لكن حبس كه  
در سال ۱۳۲۶ در دولت  
عسائی نیز مشروطه روان  
گردید ارفع الدوله غوا  
ناخواه بشروطه خواهان  
گرایید و این بار بولی  
بصوات اهانه به تبریز  
فرستاد.

پرنس ارفع الدوله



قهر مانان رضائیه



این عكس را بیکار دو پرچم آوردیم ولی چون در آن عكس دو امامی اصران و ونه آنها  
اختصاصی شده بود ناچار امروز با بردن نام هر يك باز دیگر آوردیم  
رده اول از چپ بر است ۱- آقای ستوان يكم اشكان ۲- آقای ستوان دوم مولایه ۳-  
مر كار سر گرد كمال ۴- ستوان يكم خفوس ۵- ستوان يكم شكوهی  
رده دوم طب از چپ بر است ۱- ستوان دوم حسن ( رده ۲- ستوان ۳ منبی ۳- ستوان ۳  
نیمیدی ۴- آقای ستوان ۳ ناشی و كیلی

آزادگان

۱ - تاریخچه پیدایش و تأسیس جمعیت آزادگان

بكنند و میخواهند كند تمبر كارخودش را خواهد  
کرد. آیا این شخص دیگر دست بكاری زده و  
بسرای حال و آینده خود برای سلامت و خوش  
بختی خود بكاری میکند. یا اینکه در پیش آمدی  
لورا سرگه از فضا و قدر را باز کرده و میگوید  
چه باید كه تقدیر چنین بود كه ما هم در این آتش  
بپوریم

با يك نام خرابانی كه تنها كارش باده خواری  
و سانه بازی بوده دیگر در پند يك و بد جهان باشد  
چه كاری از او برای خود و كشورش ساخته است  
مرد صولی كه دست دهن و با كویدر را و میانه  
نزدیکی به خدا میداند و تنها خواستش از زندگانی  
اینست كه بپور و خوش بگذرانند، دیگر چه میدانی  
مبنوان از هیچو کسی برای نجات خود و دیگران  
بست

از طرفی هم چون بیشتر شمرای ایران خود  
برو این قایم بوج و موهوم بوده اند در رواج  
آنها كوشیده و دیوان های خود را بسر از اشعار  
چیرگی و خراباییگری و صوفیگری کرده و  
مرد را بپرا كرفل آنها دلگرم نبوده اند

چون شمر مؤزون است و سفین منظوم  
تأثیر شمر دلیا بیشتر است تا كلام منثور اینست كه  
این شمرها كار خود را کرده و در دلیا نشسته است  
و كتر کسی از ایرانیان را مبنوان پیدا كرد كه  
در گفتگوهای خود بیانی از آن شمرها یاد نكرده  
و با سرودن آنها آتش شهرت و آزادگی را درخورد  
و دیگران خاموش كند

مثلا منكنی كه گفتگو از يك و نه جهان  
رفته وصحت گرفتاریا و در مانده گیهای ایران بیان  
آمده و يك شدا بیامری میفرماید دیگران را بر  
منوجه بدستچپان خود بگند و كه عكس بپرا











